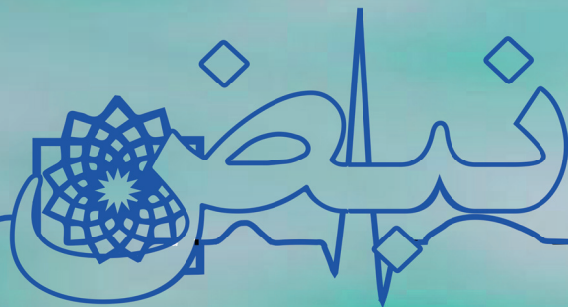


نشریه دانشجویی «نبض بهشتی»
سال ششم - شماره سیزدهم - فروردین ۱۴۰۵



با خامنه‌ای دوباره هم پیمانیم

خامنه‌ای جوان شد، ۲

دشمن خداست، ۳

آسمان در انتظار فردا، ۶

ماوارث تمام آزادگان تاریخیم، ۷

اکنون یک ملت می‌ایستد، ۸

جنايت عليه سلامت، ۹

بسیج دانشجویی
دانشکده پزشکی
علوم پزشکی شهید بهشتی



سر مقاله

انقلاب اسلامی ایران با تمام حسیض‌ها و اوج‌هایی که داشته است هرگز ایستادگی و سکون نداشته؛ و در تمام عمر این نهضت مقاومت و این ایستادگی در مقابل استکبار و بیداری مسلمین، پویایی خود را حفظ کرده است. گردش این انقلاب بر مدار توحید که ادامه نهضت انبیاء الهی و ائمه اطهار (ع) است، با وجود مقارنات آن با حوادث متعدد و شوم و مبارک روزگار، متوقف نشده است. در این میان تصور عده‌ای کند ذهن و پوچ فکر شاید این بود که شعله جریان مبارک انقلاب که توسط ملت ایران و جرقه تاریخی حضرت امام خمینی (ره) افروخته شده است؛ با عروج آن روح الهی به سوی خدا، دچار کم فروغی شده، بلکه خاموش شود؛ تصور آنها این بود که با رحلت حضرت امام خمینی (ره)، «درجه حرارت استقلال طلبی و استکبارستیزی هم خواهد افتاد».



آنچه که این تحلیل‌ها خالی از آن بود، اراده و تحرک ملت مستضعفی بود که به ندای «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزَانَةٍ» پاسخ داده بودند و بنا نبود که نهضتی که خود برافروخته بودند را امان دهند تا خاموش شود. علاوه بر این، زعامت امامی بود که پس از امام آمد و رهبری امت را عهده دار شد تا در تلاطم طوفان‌ها، امت راه گم نکند.

امسال هم ملت ایران همان امت بود و امام خامنه‌ای شهید (ره) هم همان امام روح‌الله (ره) بود. فقیه حاذقی که هم دین را خوب می‌شناخت، هم امت را خوب می‌شناخت، هم تاریخ را خوب می‌شناخت و هم تعالیم حضرت امام خمینی (ره) را خوب می‌شناخت.

برخلاف تصور غلط و تحلیل‌های اشتباه از آب در آمده امریکایی‌ها، نهضت اسلامی در ایران به قوت خود باقی است و بنا نیست انقلاب اسلامی ایران به علت از دست دادن رهبر خود و یا عده‌ای از فرماندهان نظامی‌اش، تسلیم خواسته‌های مستکبران عالم شود.

این مقاومت و ایستادگی در برابر تسلیم از آنجا نشأت می‌گیرد که ما به عنوان یک جامعه مسلمان، موظفیم با شرک و آثار شرک مبارزه کنیم و نیز به این دلیل که موظف به تحدیث و حفظ شرایط اجتماعی مساعد برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت هستیم؛ می‌بایست با «طاغوت» و فساد روی زمین مبارزه کنیم و آن را از میان ببریم و مسببین آن را به سزای اعمال خود برسانیم.

از طرفی، دشمن مستکبر، هدفی جز به خاک افکندن این نهضت ندارد و

از آنجایی که ادامه حیات این نهضت را در تضاد با منافع خود می‌بیند؛ در تلاش است تا با نقشه کشی و تهدید و اقدامات خرابکارانه هر ضربه‌ای که می‌تواند را به پیکر نهضت اسلامی وارد کند، شناخت و مقابله با دشمن مستکبر بر همه مسلمانان، به خصوص ما «جوانان مؤمن انقلابی» واجب است.

شناخت دشمن و نیز شناخت راه‌های مقابله با دشمن، جز با شناخت و تبعیت از آموزه‌های آن قائد کیرامت، حضرت امام خمینی (ره) و آن قائد شهید امت حضرت امام خامنه‌ای (ره) میسر نخواهد بود. میراثی که بر دست ما مانده است از کتاب و پیام و بیانات و صوت و فیلم و هزاران میراث دیگر، مکتوب و غیر مکتوب، و از همه آنها مهم‌تر و با ارزش‌تر، خلف صالح حضرت امام خامنه‌ای (ره)، تربیت یافته مکتب خمینی کیر (ره)، حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، آن چیزی است که در تلاطم طوفان‌ها و تاریکی دوران‌ها، رهنمود ما است و همین استفاده مستمر جوانان مؤمن انقلابی، بالاخص دانشجویان مؤمن انقلابی از این میراث ارزشمند برجای مانده از امامین انقلاب، نشان دهنده و گواه آن است که ایشان زنده‌اند؛ چون ما و روحیه انقلابی ما زنده است و بالاستمرار از میراث امامان خمینی و خامنه‌ای (ره) استفاده می‌کنیم، آنها نیز زنده‌اند و چون امامان زنده‌اند، نهضت زنده است و چون نهضت زنده است، ما هم زنده ایم.



خامنه‌ای، جوان شد

پس از شهادت علی وارانه حضرت امام خامنه‌ای (ره)، جامعه مسلمان و انقلابی، از دست دادن یکی از برترین رهبران تاریخ جهان و یکی از بلندمرتبه‌ترین فقیهان و عالمان دین را درک نمود و فهمید که چه فقدان بزرگی براو متحمل شده و دچار چه خسران عظیمی شده است. در برابر این ناآرامی که بر قلب مؤمنین افتاده بود؛ همه به دنبال نوعی تسلی خاطر و آرامش دلی بودند و در آن هنگام بود که یاد و نشر این آیه از مصحف شریف، ما را تسلی خاطر بود: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبِهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»^۱.

این آیه ما را یادآور شد که حتی اگر جامعه اسلامی برترین رهبرها و قائدها را از دست بدهد، باز هم نهضت اسلامی ایستادگی و سکون ندارد و همواره در حرکت و پویایی خواهد بود؛ چرا که این نهضت، وابسته به ایمان‌ها است و نه اشخاص. در این میان، همچنان امید بر آن بود که پرچم انقلاب پس از این عالم بلندمرتبه و این رهبر تکرار نشدنی، به فردی برسد که بتواند راه دو امام بزرگ این انقلاب را ادامه داده و ما را از این پیچ تاریخی طاقت‌فرسا به سلامت عبور دهد.

در همین راستا خبرگان ملت با استعانت از خداوند و مدد حضرت صاحب‌الزمان (عج)، توانستند حضرت

علی‌رغم آنکه پدرشان رئیس‌جمهور وقت بودند، در سنین نوجوانی در جبهه حاضر شده و حتی از نام شریف «خامنه‌ای» استفاده نمی‌کردند. سردار فضلی در کتاب خاطرات سبز می‌نویسد: «عملیات ماووت برون مرزی بود و احتمال اسارت زیاد، گفتیم اگر پسر رئیس‌جمهور اسیر شود، دشمن حسایی سوءاستفاده تبلیغاتی خواهد کرد. تصمیم گرفتیم منصرفش کنیم/ما بیفایده بود. کسی مأمور شد و یواشکی دسته‌های عینکش را شکست. موقع عملیات، باز آن جلو وایساده! از نخ، جای دسته‌های عینک استفاده کرده بود...»

به اذعان بسیاری از تحلیلگران و شاگردان وی، ایشان با احاطه کامل بر مدیریت کلان کشور و تعامل مستمر با بسیاری از مدیران ارشد در دوره‌های مختلف، و از رهگذر برگزاری نشست‌های کاری پرشمار، تجربه‌ای گران‌بها اندوختند؛ تجربه‌ای که می‌تواند در آینده منشأ خدمات و دستاوردهای ارزنده‌ای برای کشور باشد. همچنین ایشان با مطالعه ژرف در حوزه‌های گوناگون علمی، برگزاری نشست‌های پیوسته با خبرگان، و دستیابی به راهکارهای بنیادین در عرصه‌های مختلف حکمرانی، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، ثروتی نفیس برای ایران اسلامی پدید آوردند. این دستاوردها طیف گسترده‌ای از راه‌حل‌های کاربردی، از جمله تأمین مسکن، تثبیت قیمت‌های کالاهای اساسی، هوش مصنوعی، بازطراحی سیستم کشاورزی و دامداری و... را در بر می‌گیرد.^۲

اطاعت ما از ولایت فقیه، ضامن پیشرفت و ترقی جامعه اسلامی - ایرانی در دوران زعامت حضرت امام سید مجتبی خامنه‌ای است؛ امید است بتوانیم ایشان را آنطور که باید شناخته و با رهنمودهای ایشان در مسیر آرمان‌های امام راحل (ره) و امام شهید (ره) گام برداریم.

آیت‌الله امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای را به عنوان سومین رهبر انقلاب اسلامی به مردم اعلام کنند. ایشان فردی فقیه و عالم به مسائل دینی، مشرف به امور اجرایی کلان کشور و ادامه دهنده راه امام راحل (ره) و امام شهید انقلاب (ره) است که به هنگام نبرد با دشمن صهیونی با استحکام و استقامت برخورد کرده و در هنگام حضور در میان مؤمنان و توجه به مردم با رحمت و فروتنی ظاهر می‌شود. دو نفر از شاگردان ایشان در حوزه، ایشان را این گونه معرفی می‌کنند: «آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای فرزند دوم رهبر و مرجع شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، متولد سال ۱۳۴۸ در مشهد است. ایشان دروس مقدماتی حوزوی را در مدرسه مبارکه آیت‌الله مجتهدی تهرانی گذراند و در دوران دفاع مقدس در جمع رزمندگان اسلام در جبهه‌های جهاد حاضر شد. سال ۷۶ با بانوی شهیده زهرا حداد عادل ازدواج کرد و همان سال جهت تکمیل تحصیلات حوزوی و کسب فیوضات معنوی برای باردوم به قم هجرت فرمود.

دروس سطوح عالی را از محضر حضرات آیات احمدی میانه‌جی، رضا استادی، اوسطی و برخی دیگر از اساتید مبتزرقم بهره برد، دروس خارج فقه و اصول را از محضر والد شهیدشان آیت‌الله العظمی خامنه‌ای و علاوه بر ایشان از محضر حضرات آیات عظام شیخ جواد تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی، آقامجتبی تهرانی، شیخ محمد مؤمن قمی استفاده کرد. ایشان بیش از ۱۷ سال به‌طور مستمر در دروس خارج مختلف حضور فعال داشتند، ارائه تقریرات علمی به عربی و پیگیری نکات علمی در قالب اشکال و نقد در ارتباط خارج از درس با اساتید، توجه ویژه برخی بزرگان به ایشان را در پی داشت.»

حضور ایشان در جبهه‌ها نیز جلوه دیگری از رشادت‌های ایشان بود. ایشان



دشمن خداست!

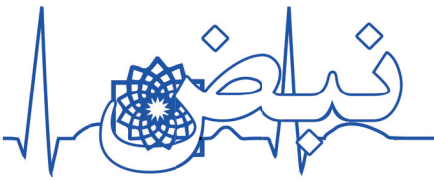
در طول تاریخ، حکام مستبد و ظالم بسیاری زندگی کرده‌اند که قرآن مجید نام آنها را «مستکبر» گذاشته است. مستکبر به معنای ساده آن یعنی «زورگو». کسی که می‌خواهد با زور و قدرت بزرگی خود را اثبات کند و بر جوامع با قهر و قدرت مسلط شود. در قرآن، مستکبران زیادی برای درس گرفتن مؤمنان و امت پیامبر آورده شده که اکثریت آنها شناخته شده‌اند. نامهایی مثل «فرعون» و «هامان» و «قارون» و امثالهم به عنوان حکام و سلاطین تمدن‌ها و امپراطوری‌های باستانی که نامشان با استکبار گره خورده است، شناخته شده‌اند. در میان این مستکبران و پادشاهان کهن، یکی از نامهای معروف، «نرون» امپراطور روم است که او نیز به سفاکی، استبداد و ستمکاری معروف است. تاستیوس، سناتور و روایتگر تاریخی رومی، نرون را حاکمی توصیف می‌کند که «ترس در میان رعایای خود ایجاد کرد» و او را شخصیتی «نفرت‌انگیز» می‌نامد. نرون علاقه افراطی به نمایش، آواز و مسابقات ارباب‌رانی داشت. او مادر خود را برای منافع سیاسی خود به قتل رساند، سیاست‌های ضدنخبگانی گرفت که باعث شهرت اندیشه‌های

در دوره کوتاهی از امپراطوری اش و ماندگار شدن او به عنوان یک شخصیت منفور در تاریخ نشانگر ثابت ماندن سنت الهی در مقابله با مستکبران است. مستکبرانی که امروزه نیز آنها را می‌توان دید و شناخت.

با نگاهی کوتاه به شخصیت دونالد ترامپ، نه تنها می‌توان به وجود ویژگی‌های شخصیتی مستکبران در او پی برد، بلکه می‌توان او را با شخصیت امپراطور ظالم روم، نرون تطبیق زد. ترامپ مانند نرون، فرعونی مستکبر است که سعی دارد در تصویر عمومی خود را یک «قهرمان» جلوه دهد و همواره تلاش کرده بیشتر یک «سلبریتی» موفق باشد تا یک سیاستمدار موفق. اقدامات او مثل تلاش برای تصاحب جایزه صلح نوبل و تلاش برای ظهور بعنوان بهترین رئیس جمهور تاریخ آمریکا با اقدامات مستکبرانی مثل نرون و آنچه از آنها در تاریخ ذکر شده تطابق دارد.

سرگذشت سیاسی دونالد ترامپ، قصه مفصلی است که انگشت هر خواننده‌ای را ناگزیر به سمت دهانش سوق می‌دهد. ترامپ در ابتدا با کنترل کسب و کار املاک و مستغلات پدرش، و تشکیل «سازمان ترامپ»، یک کمپانی املاک راه اندازی کرد که باعث ثروت‌اندوزی او شد. او همچنین برنامه تلویزیونی «کارآموز» را راه‌اندازی کرد که در آن به مسائل مختلف اجتماعی می‌پرداخت. در سال ۲۰۰۰ او از طرف «حزب اصلاحات» سعی کرد در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شرکت کند اما در ورود به عرصه سیاست ناکام ماند. اما در سال ۲۰۱۵ بود که عملاً وارد صحنه سیاست شد و با دیدگاه و نقطه نظر «پوپولیستی» وارد عرصه سیاست شد. برای ترامپ،

پوپولیستی شد. او با متهم کردن مسیحیان روم به مؤثر بودن در حریق بزرگ روم، کشتار و قتل عام عظیمی علیه مسیحیان انجام داد که حتی مورخان متنفر از مسیحیت نیز آن را توأم با وحشت ذکر کرده‌اند. مأموران نرون طبق روایت مورخانی مثل سوئونیوس و تاستیوس، بسیاری از مسیحیان را در پوست حیوانات وحشی دوختند و در عرصه مسابقات رها کردند تا توسط سگ‌های گرسنه تکه‌تکه شوند؛ گروهی دیگر به صلیب کشیده شدند، و دهشتناک‌ترین روش اعدام این بود که نرون دستور داد مسیحیان را به ستون‌هایی ببندند، بدن‌هایشان را به قیر و مواد اشتعال‌زا آغشته کنند و با فرا رسیدن شب، آنها را زنده زنده آتش بزنند تا به عنوان «مشعل‌های انسانی» باغ‌های امپراطوری را روشن کنند. نرون خود سوار بر اربابه‌اش در میان این باغ‌های روشن‌شده از بدن‌های در حال سوختن می‌چرخید. در این میان، با وجود متعدد جنایات او، نرون سعی می‌کرد محبوبیت خود را هر چند با دروغ حفظ کند و از خود چهره‌ای هنردوست و صاحب‌فضل نشان دهد و به نحوی آنچه معادل مدرنش را «سلبریتی» می‌نامند، دیده شود. به روایتی او در حین آتش‌سوزی روم از صحنه حریق بعنوان منظره‌ای برای نقاشی‌اش استفاده کرد و هنگامی که در آستانه مرگ به علت شورش مردم و نخبگان علیه او بود می‌گفت: افسوس که با مرگ من جهان هنرمندی را از دست می‌دهد! داستان نرون و استکبار او، تلاش او برای ماندگار شدن به عنوان امپراطور محبوب روم، مبارزه او با مسیحیان و قتل عام آنها ۶۰ سال پس از میلاد مسیح، نابودی او و از بین رفتن قدرتش



اتفاق در اروپا نیز رخ داده و پایگاه رأی احزاب چپ سنتی به سمت راست گرایان افراطی در فرانسه و ایتالیا تغییر جهت داده است. دونالد ترامپ در ابتدا با بهره‌گیری از سازوکارهای نئولیبرالیستی موفق شد ابعاد اقتصاد آمریکا و بازارهای آن را گسترش دهد؛ با این حال، وقوع پدیده‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر در سطح جهانی، آرمان‌ها و راهبردهای این اندیشه را با چالشی بنیادین مواجه ساخت. همه‌گیری کووید-۱۹ و انسداد کامل بازارها، دولت‌ها را ناگزیر به مداخله در امور اقتصادی کرد تا از فروپاشی ناشی از توقف مبادلات جلوگیری کنند. در این میان، واکنش دولت‌های مدافع نئولیبرالیسم، از جمله ترامپ و دولت راست‌گرای برزیل، مبنی بر کتمان واقعیت و بی‌توجهی به بحران، منجر به سلب اعتماد عمومی و شکست آنان در عرصه‌های انتخاباتی شد. از سوی دیگر، ناکارآمدی «لیبرالیسم بیدار» نیز در خلال جنگ اوکراین و تحت تأثیر سیاست‌های دولت بایدن نمایان گشت که فرسایش سرمایه اجتماعی و شکست در رقابت‌های بعدی را برای او به همراه داشت. ترامپ، در دوره دوم خود با ادعاهای «پایان دادن به جنگ‌ها» به عرصه سیاست ورود کرد و تلاش کرد جنگ در اوکراین را پایان دهد که ناکام ماند. در همین حین تلاش‌های او برای به نام خود ثبت کردن صلح در غزه، بعلت اهمیت حل بحران فاجعه باری که در غرب پس از عملیات مقتدرانه و غافلگیرانه طوفان الاقصی بوجود آمد؛ با تلاش مضاعف نیروهای مقتدر یمنی در تحدید تردد کشتی‌ها در تنگه باب‌المندب نیز به نتیجه‌ای نرسید.

اخذ سیاست‌های کاملاً جدید و متفاوت از سیاستمداران سنتی و به سبک پوپولیستی، توانست در انتخابات درون حزبی و بعد از آن در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ پیروز شود. عمده رای دهندگان به ترامپ، از قشر کشاورز و کارگر معمولاً سفیدپوست آمریکایی بودند که از سیاست‌های اقتصادی دولت‌های پیشین آمریکا نارضایتی عمیقی داشتند. اتفاقات معاصر در اقتصاد آمریکا مثل سقوط بازار بورس در ۲۰۰۸، نشان می‌داد که روش «لیبرالیسم کلاسیک» کارآمدی خود را از دست داده است و جهان غرب برای بقای ایدئولوژیک خود باید به دنبال یک جایگزین برود و الا محکوم به فناست. آموزه لیبرالیسم کلاسیک که روزگاری بر پایه برابری، قانون‌مداری و محدود کردن مداخله دولت بنا شده بود، در ۵۰ سال گذشته مسیر متفاوتی را طی کرده است. منتقدان معتقدند این ایدئولوژی با دوانحراف بزرگ روبرو شده که کارآمدی آن را زیر سوال برده است. از سویی «نئولیبرالیسم» با تمرکز افراطی بر بازار آزاد، چتر حمایتی دولت از کارگران را تضعیف کرد و باعث کوچ مشاغل به کشورهای در حال توسعه شد. از سوی دیگر، ظهور «لیبرالیسم بیدار» اولویت‌های چپ‌گرایان را از مسائل طبقاتی به سمت مطالبات هویتی و حمایت از اقلیت‌های نژادی و جنسی سوق داد. نتیجه این تغییرات، یک زلزله سیاسی بود: طبقه کارگر که دیگر نماینده‌ای در جریان‌های چپ نمی‌دید، به احزاب راست‌گرا پناه برد. امروزه در آمریکا، حزب دموکرات به حزب نخبگان شهری تبدیل شده و کارگران در کنار سرمایه‌داران به جمهوری‌خواهان رأی می‌دهند؛ مشابه همین

مهم نبود که خواسته عوام با نظر نخبگان و کارشناسان همخوانی داشته باشد یا نه؛ او در کمپین انتخاباتی‌اش خودش را ناجی مردم و طرفدار خواسته‌های آنها نشان می‌داد. او با شعار «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم» و «اول آمریکا»، نقطه نظرهای بسیار تندی درباره برخی سیاست‌های آمریکا اتخاذ کرد. مناظره تاریخی او با «جب بوش»، پسر جرج بوش پدر و برادر جرج بوش پسر، درباره مشروعیت حملات آمریکا به عراق و براندازی دولت صدام حسین در حزب جمهوری خواه آمریکا بی‌سابقه بود. صدام حسین از گذشته مورد توجه برخی سیاستمداران حزب جمهوری خواه بوده است اما پس از حمله به کویت و حملات ۱۱ سپتامبر، بوش‌های پدر و پسر هر کدام در عراق جنگ‌هایی راه انداختند که در نهایت منجر به سرنگونی حزب بعث شد. جنگ‌های آمریکا علیه عراق خصوصاً در سال ۲۰۰۳ که توسط بوش پسر با هدف از بین بردن تهدید صدام علیه ایالات متحده و منافع آن و از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی صدام انجام شده بود؛ در اذهان عمومی با دیدگاه منفی نگریده می‌شد. ترامپ برخلاف او ادعا می‌کرد که صدام می‌توانست «گاو شیرده» خوبی برای آمریکا باشد، اینکه بودن صدام در مقابل با ایران برای آمریکا «بهتر» بود و اینکه بعد از جنگ عراق، این ایران است که بر عراق تسلط یافته و متحدان آن به قدرت رسیده‌اند. او با این ادعا که «آمریکا دیگر نباید در هیچ جنگی در خاورمیانه دوباره وارد شود» و اینکه «مالیات آمریکایی‌ها نباید برای جنگ‌ها در خاورمیانه صرف شود» کمپین انتخاباتی خود را پیش برد. او با

آمریکایی بود. واضح بود؛ آمریکایی‌ها برنامه‌ریزی کردند، فعالیت کردند. هدف آمریکایی‌ها هم - این را من قاطع، صریح، با تجربه‌ی چهل و چند ساله‌ی در جمهوری اسلامی عرض میکنم - بلعیدن ایران است. این سلطه‌ای که اینها بر این کشور داشتند، به دست مردم، به دست جوانها، به دست آحاد مردم در سراسر کشور و با رهبری امام بزرگوار از بین رفت؛ و از اول انقلاب تا امروز، اینها به فکرند که این سلطه را برگردانند؛ یعنی باز ایران را تحت سلطه‌ی نظامی خودشان، تحت سلطه‌ی سیاسی خودشان، تحت سلطه‌ی اقتصادی خودشان قرار بدهند؛ هدف این است. این مربوط به رئیس‌جمهور فعلی آمریکا هم نیست؛ این مربوط به این شخصی که الان رئیس‌جمهور است، نیست؛ این مربوط به سیاست آمریکا است. سیاست آمریکا این است که کشوری با این خصوصیات را در یک چنین مرکز حساس جغرافیایی، با این امکانات، با این وسعت، با این جمعیت، نمیتواند تحمل کند؛ چنین کشوری، با این پیشرفتهایی که دارد از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری در بخشهای مختلف میکند، برای آمریکایی‌ها قابل تحمل نیست.^۲

آمریکایی‌ها پس از آنکه در تحقق این هدف خود نیز ناامید شدند، در ۹ اسفند ۱۴۰۴، با حمله به کشورمان ایران، حضرت آیت‌الله العظمی امام سیدعلی خامنه‌ای (ره) و چندن از فرماندهان رشید اسلام را به شهادت رساندند و فکر خام پیروزی سه روزه، مثل همان صدام تجاوزکار، را در سر می‌پروراندند که با رشادات نیروهای مسلح و

سپاس می‌گذاریم که به نیروهای مسلح ما کمک کرد، توانستند از دفاع چندلایه‌ی پیشرفته‌ی آنها عبور کنند و بسیاری از مناطق شهری و نظامی آنها را زیر فشار موشکهای خودشان و با تهاجم قوی سلاح پیشرفته‌ی خودشان با خاک یکسان کنند! این یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای الهی است؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که رژیم صهیونیستی بداند که تعرض به جمهوری اسلامی ایران برایش هزینه‌زاست، هزینه برای او ایجاد میکند، هزینه سنگین برای او به وجود می‌آورد و ایجاد میکند. و بحمدالله این اتفاق افتاد؛ افتخارش متعلق به نیروهای مسلح و مردم عزیزمان است که این نیروهای مسلح را از درون خود ایجاد کردند، تربیت کردند، پشتیبانی کردند و دست [قوی] آنها را برای انجام یک چنین کار بزرگی فراهم کردند، قوی کردند.^۱ رژیم صهیونی که خود را در برابر قوای مسلح ایران و اراده امت مسلمان عاجز دید، از هرگونه خیال و نقشه برای نابودی ایران با حمله نظامی ناامید شد و در این صدد بود که شاید با کشاندن آمریکا به صورت علنی در عرصه نظامی در مقابل ایران بتواند کاری از پیش ببرد. در این حین، آمریکا تهدیدات خود را علیه ایران حفظ کرد و با توجه به تجربه تازه و موفقی که در کودتا در ونزوئلا داشتند به این نتیجه رسیدند که از هسته‌های خفته‌ی منافق و سلطنت طلب و مزدور و اراذل و اوباش خود استفاده کنند و با طرح ریزی اطلاعاتی خود باعث وقوع فجایع ۱۸ و ۱۹ دی شدند. رهبر شهید انقلاب (ره) در این خصوص فرمودند: «اولاً ماهیت فتنه، این یک فتنه‌ی

عملیات‌های ترامپ رفته رفته به سوی مقابله با تهدید ایران حرکت می‌کرد که تبعاً از بزرگترین پایگاه خود علیه جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت، یعنی رژیم صهیونیستی استفاده می‌کرد. عملیات‌هایی مثل ترور فرماندهان مقاومت همچون ترور شهیدان اسماعیل هنیه و سیدحسن نصرالله (ره)، عملیات‌های رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان، فجایع انسانی، بمباران گسترده و قتل عام در غزه، عملیات پیجرها و در رأس آنها حمله رژیم صهیونیستی به ایران در خرداد ۱۴۰۴ و جنگ تحمیلی دوم همگی گویای این بودند که ترامپ بلاشک بر ایران متمرکز شده و این تمرکز بطور محسوسی گسترده تر از دوره اول او بود. اما ایران و جبهه مقاومت در برابر تمام این سختی‌ها توانستند با اراده‌ای محکم ایستادگی کنند. بعد از حملات وحشیانه صهیونیستها به غزه، حماس همچنان کنترل غزه را در دست دارد. حزب الله با وجود زخم‌هایی که بر پیکره شریفش وارد شده همچنان قدرتمند در میدان نبرد حاضر است و با وجود از دست دادن شماری از فرماندهان رشید لشکر اسلام و دانشمندان هسته‌ای کشورمان ایران توانست در مقابل دشمنان پلید و شیطانی چون آمریکا و رژیم جعلی صهیونیستی بایستد و به تعبیری از رهبر شهید انقلاب: «رژیم صهیونی با آن همه هیاهو، با آن همه آتعا، در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمد و له شد. فکر اینکه چنین ضرباتی از سوی جمهوری اسلامی ممکن است بر رژیم وارد بشود، در ذهن آنها و مخپله‌ی آنها خطور نمیکرد و اتفاق افتاد. خدا را

۱- سومین پیام تلویزیونی رهبر شهید انقلاب (ره) خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی ۱۴۰۴/۰۴/۰۵
۲- بیانات رهبر شهید انقلاب (ره) در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میث پیامبر اعظم ۱۴۰۲/۱۰/۲۷



آسمان در انتظار فردا

در سکوت شب، زمانی که ستارگان بی شمار، چون چشمانی نگران، بر فراز زمین خفته نظاره‌گرند، داستانی کهن از تنش و انتظار، نفس‌ها را در سینه حبس می‌کند. آسمان، که روزی مأمن پرواز پرنده‌گان صلح بود، اکنون شاهد سایه‌هایی است که به آرامی بر دل‌ها سنگینی می‌کنند.

از دور دست‌ها، پژواک آذرخش‌هایی به گوش می‌رسد؛ نه آذرخش طوفان، که آذرخش بیم.

در سرزمینی که هر سنگش داستانی برای گفتن دارد، قلوب مردمان، چون پرنده‌گانی در قفس، دلتنگ آزادی و آرامش‌اند. نام‌ها، مرزها، و تاریخ‌ها، در هیاهوی این روزگار، گاه به بهانه‌ای برای نزاع بدل می‌شوند، اما در پس همه‌ی این‌ها، انسانیت مشترکی نفس می‌کشد که در آرزوی درخششی از امید، به ستارگان چشم دوخته است.

کودکان، با چشمانی که معصومیت جهان را در خود جای داده‌اند، در لالایی‌های مادرانشان، نه از فرشته‌ها، که از آسمانی صاف و بی‌ایر می‌شنوند. مادران، با قلبی لرزان، دعایشان بر لب، رو به قبله‌ی نامعلوم فردا، طلب آرامشی می‌کنند که دیرگاهی است مهمان خانه‌هایشان نبوده است.

این سرزمین‌ها، که زمانی در آغوش هم، دانایی و هنر را پروراندند، اکنون در گرداب ناآرامی گرفتار آمده‌اند. اما مگر نه اینکه هر غروب، طلوعی در پی دارد؟ مگر نه اینکه پس از هر زمستان سرد، بهاری از راه می‌رسد؟

شاید این شب طولانی، آزمونی باشد برای درک ارزش صلح، برای یافتن نوری در دل تاریکی، و برای یادآوری اینکه در نهایت، همه‌ی مادر زیر یک آسمان مشترک، چشم به راه فردایی روشن دوخته‌ایم.



بودند، پس از ترور ددمنشانه سردار سرفراز اسلام حاج قاسم سلیمانی از ترس پاسخ احتمالی و گسترده ایران، ترامپ را تحت فشار قرار دادند تا از ابزار نظامی دیگری علیه ایران استفاده نکند. اما با وقوع بحران انتخاباتی در ۲۰۲۰ آمریکا و عدم حمایت عمده اعضای کابینه ترامپ از او علی‌الخصوص مایک پنس، معاون اول او، ترامپ در دوره دوم خود به زمین و زمان بدبین شده و اطراف خود را با احمق‌هایی پر کرده که به او قول پیروزی سریع در ایران را دادند ولی با سد محکم نیروهای مسلح و اراده پولادین مردم حاضر در میادین مواجه شدند.

این حکایت کذاب‌ها و فرعون‌ها و نرون‌هایی چون ترامپ است که در نهایت با خفت و خواری خواهند مرد و در تمام تاریخ از آنها با نفرت یاد خواهد شد و چه بسا اصحاب اپستین جایگاهی مانند فرعونیان در دوزخ داشته باشند!

فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ^۲

پس آن گاه که فرعون و فرعونیان ما را به خشم آوردند ما هم از آنان انتقام کشیدیم و همه را غرق نمودیم.

بیداری مردم و امت مسلمان، ناکام ماند و به تعبیر رهبر معظم انقلاب: «برادران و خواهران هموطن! امروز و تا این نقطه از حماسه دفاع مقدس سوم، به جرأت می‌توان گفت که شما ملت قهرمان ایران، پیروز قطعی این میدان بوده‌اید.

امروز طلوعه برآمدن جمهوری اسلامی به‌عنوان یک قدرت بزرگ و قرار گرفتن استکبار در سراسیمه‌ی ضعف، مقابل چشم همگان آشکار شده است. این بی‌شک نعمتی الهی است که از برکت خون رهبر شهیدمان و سایر شهدای گلگون‌کفن و هموطنان مظلوم و گل‌های پرپر شده مدرسه شجره طیبه میناب، و در پی توسلات و تضرعات آحاد ملت به درگاه ربوبی و حضور مجاهدانه ایشان در میادین و محلات و مساجد، و به خاطر جانفشانی‌های بی‌دریغ و بی‌منت و خالصانه رزمندگان جان‌برکف اسلام در سپاه و ارتش و فراجا و سربازان گمنام و مرزداران، به ملت ایران ارزانی شده است.

این نعمت هم مانند هر نعمت دیگری باید مورد شکر قرار گیرد تا بقیا ورشد داشته باشد که لئن شکرتم لا زید بکم. شکر عملی این نعمت، تلاش بی‌وقفه برای رسیدن به ایران قوی است.^۳

در این میان، دروغ‌گویی‌های رئیس‌جمهور پیاوه‌گو و کذاب آمریکا، چه در حین عملیات‌های نظامی نیروهای مسلح در ایام جنگ و چه در لحظات سکوت نظامی در ایام جنگ، بیش از پیش شدت گرفته است. در دولت اول ترامپ با وجود عده کثیری از سیاستمدارانی که منافع مشترکی با صهیونیسم داشتند و در دشمنی با ایران همگی متفق‌القول

۳- پیام رهبر انقلاب به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم‌الشان و مسائل جنگ تحمیلی
۴- سوره زخرف، آیه ۵۵

ما وارث تمام آزادگان تاریخیم



شمال آفریقا هستیم که چون عمر مختار و خالد اسلامبولی با داستان خالی به جنگ ستمگران و ستم پذیران رفتند؛ ما وارث تمام بزرگان انقلاب الجزایریم، که بیش از یک میلیون شهید دادند اما به شر استعمار فرانسه پایان دادند؛ ما وارث تمام آزادیخواهان سرزمین قدس هستیم که حاضر

شدند چون عزالدین قسام و طه یاسین و یحیی عیاش و رنتیسی و هنیه و سنوار جان دهند، اما سر در برابر شیطان هم نکنند؛ ما وارث تمام مجاهدین بزرگوار انقلاب هندوستان هستیم که چون سراج الدین و تیپو سلطان در برابر استعمار کثیف انگلستان ایستادند و حتی لحظه ای زیور آلات حکومتشان آنها را برای همدستی با شیطان نفریفت؛ ما وارث آزادیخواهان بزرگوار ایرانی هستیم که در طول دو قرن اخیر سر در برابر استعمارگران خم نکردند و چون امیرکبیر و رییسعلی دلواری و زایر خضرخان اهرمی و شیخ حسین چاه کوتاهی و شیخ فضل الله نوری و ستارخان و باقرخان و میرزا کوچک جنگلی و کلنل تقی پسیان و محمد خیابانی و آقا نجفی اصفهانی و بایندر و مدافعان ایران در جنگ دوم و شهدای سی تیر و نواب صفوی و خلیل طهماسبی و شهدای ۱۵ خرداد و محمد بخارایی و صادق امانی و محمد غفاری و سعیدی و اندرزگو و شهدای انقلاب اسلامی، در هر گوشه ای از این ملک جان دادند و عاقبت مستکبرین را از این کشور بیرون کردند.

و از این رو با هم زمزمه کنیم که «وَرِيدَانُ مَنِّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ أَيْمَةً وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱.

-دکتر علیرضا بهرامی
استاد گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

جنگ امروز ایران با نظام سلطه نه جنگی ملی و نژادی و حتی دینی بلکه جنگی جریان‌ی است؛ که در یکسو آن باطل با تمام قوایش در برابر جبهه ی حق قرار گرفته است و می‌داند اگر نتواند آن را از بین ببرد تمام آزادیخواهان امروز در همه جای دنیا انتقام ظلم‌هایی که حداقل در چند قرن اخیر دیده‌اند را از آن می‌گیرد. به جرات باید گفت، جنگ امروز جنگ آزادیخواهان حق مدار تاریخ است با بندگان باطل. که هر روز و شب به دنبال طاغوتی هستند تا او را بپرسند و به کمک آن به مقاصد خود برسند.

از این رو باید به دستور آیه «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَن ظَلَمَ»^۲ فریاد بر آورد و گفت: ما وارث سیاه پوستان مظلوم آفریقا هستیم که برای بهره کشی به مزارع آمریکا برده شدند و نسل اندر نسل طعم تلخ بردگی را تحمل کردند و بزرگانی چون مالکوم ایکس را به آزادیخواهان بشر تقدیم کردند؛ ما وارث تمام سرخ پوستانی هستیم که استعمارگران پلید اروپایی حتی به قبرهایشان هم رحم نکردند؛ ما وارث مردمان مظلوم آمریکای جنوبی هستیم که نخواستند حیات خلوت استعمارگران باشند و چون بولیوار و چگوارا و کاسترو زندگی خود را وقف مبارزه با ظلم کردند؛ ما وارث آزادیخواهان مسلمان





اکنون؛ یک ملت می‌ایستد...

چه می‌شود که یک جامعه در لحظه‌های سخت همچون مواجهه با تهدیدهای خارجی به جای فرسودگی، قوت می‌گیرد؟ پاسخ این سوال در دل انسان‌ها جاری است که آن نیز می‌تواند در بستر حاکمیتی تجلی پیدا کند. باورهایی که تبدیل به اراده‌ی جمعی میشوند و به اقدامات موثر جهت می‌دهند.

وقتی درمورد تاثیر معنویت اسلامی بر مقاومت سخن می‌گوییم، ابتدا باید اشاره کنیم به منشأ آن. حقیقت آن است که این استقامت ریشه در آمادگی درونی دارد؛ آمادگی‌ای که از خودسازی، کنترل نفس و تقویت باورهای اسلامی حاصل می‌شود.

در واقع انسان مومن پیش از جهاد بیرونی، نوعی «جهاد درونی» را از سر گذرانده؛ جهادی که در آن اراده صیقل می‌یابد، انگیزه خالص می‌شود و توان ایستادگی در برابر دشواری‌ها افزایش می‌یابد. به گفته‌ی رهبر شهید سیدعلی خامنه‌ای:

[بعضی از جنگ‌های مهم رسول خدا(ص) در ماه رمضان اتفاق افتاده. بعضی فکر می‌کنند مگر با شکم گرسنه در ماه رمضان می‌شود جنگید؟ بله؛ با اراده‌ی نیرومندی که

و «پیروزی نهایی حق بر باطل»، مردم را آماده و مصمم می‌سازد تا در برابر فشارها و تهدیدها ایستادگی کنند و در راه رسیدن به آرمان‌های الهی و انسانی تلاش کنند.

[در اول انقلاب، دو جریان در مقابل هم قرار گرفتند؛ یک جریان، جریان انقلاب و دین و حاکمیت قرآنی و اسلامی... یک جریان هم جریانی بود که به حاکمیت دین خدا در این کشور راضی نبود... میدانستند که وقتی نظام و دولتی بر اساس دین و مبانی دینی بر سر کار باشد، دخالت دولت‌های مستکبر و بیگانه امکان پذیر نیست... بنابراین، بنا کردند با اصل دین مقابله کردن. میدانستند که تا دین و حاکمیت دینی هست از هیچ طرف راهی برای دشمن وجود ندارد... فقط در حاکمیت دینی است که اراده‌ی مردم، همراه با عشق، با شور، با ارادت و با اخلاص، همه‌ی وجود آنها را در مقابله‌ی با دشمن بسیج میکند. در غیر نظام دینی، چنین چیزی ممکن نیست.] ۱۳۷۸/۴/۷

به طور خلاصه می‌توان به یک تقویت‌کنندگی دو سویه اشاره کرد. از یک طرف باور و اراده‌ی اسلامی یک ملت، دژی مستحکم در مقابل نفوذ بیگانگان را مهیا می‌کند و از طرفی دیگر نظام برآمده از آموزه‌های اسلامی، ملت را در مقابل مستکبرین بسیج می‌کند. در انتها باید به این نکته اشاره کرد که:

[راه اینکه پشتیبانی مردم را از یک نظام جدا کنند این است که اعتقادات آنها را در دفاعشان دخالت ندهند؛ بین حضور و اراده و اعتقادات آنها - آن هم اعتقادات دینی - انفکاک ایجاد کنند.] ۱۳۷۸/۴/۷

از گرسنگی شکم و تشنگی اختیاری لب‌ها برای انسان حاصل می‌شود خیلی بهتر می‌شود مقابله کرد و مبارزه کرد با دشمنان خدا... منتها آن جهاد با نفسی را که با روزه و ذکر و دعا و توجه باید انجام بدهیم، آن را باید مقدمه‌ی جهاد اصغر بگذاریم. جهاد در میدان جنگ، جهاد اصغر است و جهاد با خود، مبارزه با هواهای نفسانی، کوشش برای اینکه انسان گناه نکند و داخل حرام نشود، جهاد اکبر و بزرگتر است.] چنانچه این معنویت و ظرفیت روحی از سطح فردی به دل یک جامعه گسترش پیدا کند و حتی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور ورود کند، به بخشی از هویت‌های جمعی و ملی تبدیل می‌شود. این تحول، روحیه‌ی اسلامی‌ای را تقویت می‌کند که مانع از تسلیم شدن در برابر فشار و زورگویی دشمنان دین و میهن می‌شود و مردم را به پایداری و ایستادگی در مسیر ارزش‌های خود سوق می‌دهد. همانطور که رهبر شهیدمان فرمود:

[روحیه‌ی اسلامی، روحیه‌ی تسلیم را از ملت‌ها گرفته و آنها را بیدار کرده و به خود متکی و معتقد ساخته... امروز وقت آن است که دولت‌های اسلامی از این روحیه‌ی ملت‌ها استفاده کنند، خودشان را به ملت‌ها متکی نمایند، و با دولت‌های بزرگ، مثل شرکا یا رقبای هم‌سنگ حرف بزنند؛ نه اینکه برای آنها الویت قائل شوند.] ۱۳۷۳/۱۲/۱۱

حال اگر همین آموزه‌های دینی در بطن نظام کشور حاکم شود، قدرت و نیرویی تازه به مردم می‌بخشد؛ نیرویی در راستای تلفیق اهداف ملی و اسلامی، به‌ویژه «جهاد و نبرد» در برابر ظالمان. این نظام اسلامی است که با تکیه بر مفاهیمی مانند «وظیفه دینی»، «عدالت»،

جنایت علیه سلامت

بررسی دقیق حملات اخیر محور صهیونیستی-آمریکایی به دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور نشان می‌دهد که این اقدام از ابعاد و لایه‌های مختلفی برخوردار است. در تحلیل سطح اول، کارشناسان معتقدند این رفتار بیش از هر چیز نمایانگر استیصال و درماندگی عمیق دشمن در دستیابی به اهداف کلان خود است. در واقع، دشمنی که حتی در ترسیم و مهندسی اهداف خود نیز به بن‌بست رسیده، با این حملات، نشانه‌های بارزی از شکست و فروپاشی چشم‌اندازها و دکترین‌های استراتژیک خود را به نمایش گذاشته است. روندشناسی این تقابل نشان می‌دهد در دوره‌ای که اماکن نظامی و زیرساخت‌های صنعتی ایران مورد تهاجم قرار می‌گرفت، هدف اصلی طرف مقابل، توقف کامل حرکت و قدرت نظامی و صنعتی کشور بود. با این حال، با وجود گستردگی حملات، مقاومت و مجاهدت ملت ایران مانع از تحقق این سناریو شد و ثابت کرد که ساختار ایران به این سادگی‌ها متوقف‌پذیر نبوده و هرگز تن به تسلیم نخواهد داد. به همین دلیل، دشمن که از توقف کامل قدرت ایران ناامید شده، از سر درماندگی تغییر تاکتیک داده و کانون‌های تولید این قدرت و صنعت، یعنی پژوهشکده‌ها و دانشکده‌ها را سیل حملات خود قرار داده است. تحلیلگران بر این باورند که این تغییر هدف، نشان‌دهنده روی آوردن دشمن به استراتژی حداقلی «کند کردن» سرعت پیشرفت ایران است؛ راهبردی که

قطعا به لطف الهی و با تکیه بر مجاهدت‌های ملت، دانشمندان و نخبگان دانشگاهی، سرنوشتی جز شکست نخواهد داشت. در وجهی دیگر، این حملات تاییدکننده عدم پایداری ائتلاف متخاصم به هرگونه چارچوب قانونی و سازوکار اخلاقی بین‌المللی است. هدف قرار دادن مراکز تولید علم، یکی از هزاران سندی است که بر ماهیت جنایتکارانه دشمنان صهیونیستی-آمریکایی صحه می‌گذارد. حمله به مراکز درمانی به عینه می‌تواند بین‌های متقن باشد که جانین به هیچ ساز و کار اخلاقی پایبند نیستند. در تمامی جنگ‌هایی که به دست بشر رخ داده، حمله به مراکز درمانی و امدادی در میانه جنگ امری قبیح و شنیع بوده و طرفین حداقل برای حفظ وجهه عمومی از حملات گسترده به مراکز درمانی خودداری می‌کردند. اما ائتلاف صهیونی-آمریکایی بدون توجه به این مسائل با حمله گسترده به مراکز درمانی کشور، چند چیز را به ما یادآور شد: اول آنکه سیستم‌های قضایی بین‌المللی و ساز و کارهای اخلاقی تعیین شده در کنوانسیون‌های جهانی چیزی جز ابزاری در دست قدرت‌های امپریالیستی نیست که به جز ادعای نگرانی هیچ اقدامی نمی‌توانند بکنند و عملا قدرت اجرای قوانین را ندارند چرا که با اینکه دستگاه عدلیه و دادگاه‌ها و قانون‌گذاری در کنوانسیون‌ها در سطح جهانی وجود دارد، با این حال قدرت اجرای این قوانین از کشورها و قدرت‌های امپریالیستی منشأ می‌گیرد که نشانه بی‌اهمیتی ادعاهای نگرانی این نهادهاست

درحالی که هیچ نهادی برای اجرای این قوانین وجود ندارد. نکته قابل تأمل در این میان، وضعیت برخی افراد فریب‌خورده در داخل کشور است؛ چه بسا دانشجویانی در همین دانشگاه‌ها که پیش از شروع درگیری‌ها، در این توهم به سر می‌بردند که آمریکا می‌تواند از طریق جنگ و مداخله، برای آن‌ها دموکراسی و آبادانی به ارمغان بیاورد. اما امروز در کمال ناباوری می‌بینند که محل تحصیل و پژوهش آن‌ها توسط همان نیروهای آمریکایی با خاک یکسان شده و رسانه‌های دشمن از این ویرانی محض، تنها به عنوان یک دستاورد جنگی یاد می‌کنند. حاصل سال‌ها تحقیق و تلاش هزاران دانشمندی که در این مراکز خون دل خوردند، برای طرف آمریکایی-صهیونیستی کوچکترین اهمیتی نداشت؛ آن‌ها با این توهم وارد عمل شدند که شاید با نابودی فیزیکی این زیرساخت‌ها، حرکت شتابان علمی ایران کند شود، که خیالی کاملاً باطل است. با نگاهی به تاریخ درمی‌یابیم که توهم آبادگری دشمنان خارجی و غارتگران، موضوع تازه‌ای نیست. کلمه «استعمار» که در لغت به معنای آباد کردن است، دقیقا از همین تفکر تناقض‌آمیز متولد شده است. ما پیشتر در کتاب‌های تاریخ می‌خواندیم که چگونه قدرت‌ها با شعار آبادسازی، منابع ملل مستضعف را غارت و سرزمین‌هایشان را نابود کردند؛ اما امروز به چشم خود می‌بینیم که همان جریان‌ها شعار آبادانی می‌دهند، اما در عمل تهاجم می‌کنند، ویران می‌سازند و آبادگران حقیقی این میهن را به شهادت می‌رسانند.

عهد بهشتی در جنگ تحمیلی سوم

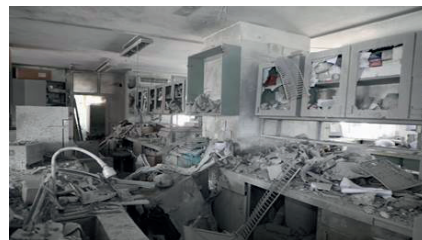
با شروع جنگ تحمیلی سوم و با حضور گسترده مردم در میادین و خیابان‌ها، دانشجویان بسیجی و جهادی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی عزم خود را جزم کردند و تصمیم گرفتند در تجمعات مردمی در یکی از میادین شهر تهران (میدان صنعت) حضور یابند و نقش فعالی در آماده‌سازی فضا و فراهم کردن محیط مناسب برای تجمعات مردمی در ایام و لیالی جنگ داشته باشند. با توجه به اهمیت جنگ رسانه‌ای در میان این جنگ ترکیبی، بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی نیز اقدام به راه اندازی «پایگاه مردمی- دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در جنگ رمضان» در بستر پیام رسان بله کرده‌است که اجتماعی از پیام‌ها از دانشجو نوشت گرفته تا اخبار ۱۲ ساعته روزانه در این محیط منتشر می‌شود. امید است روایتگری جنگ در این ایام و ایام پس از جنگ ادامه یابد و یاد و راه شهدای جنگ رمضان بالاخص سید شهدای انقلاب، امام شهید سید علی خامنه‌ای (ره) در این محتواها زنده باشد و حفظ شود.



@ahd_e_beheshti



در پی حملات دشمن صهیونی-آمریکایی به مراکز درمانی کشور عزیزمان ایران و نقض صریح قوانین حقوقی بین‌المللی و زیرپا گذاشتن سازوکارهای اخلاقی-که آنها از گذشته نیز به این سازوکارها پایبند نبودند- دکتر تدریس آدهانوم، مدیرکل سازمان جهانی بهداشت در پیامی مکتوب در موضع گیری علیه این حملات نوشت: «حملات متعددی به بخش بهداشت در پایتخت ایران، تهران، در روزهای اخیر در میان درگیری‌های فزاینده در خاورمیانه گزارش شده است. انستیتو پاستور در ایران آسیب قابل توجهی دید و از ادامه ارائه خدمات بهداشتی ناتوان شد. این موسسه در سال ۱۹۲۰ تاسیس شد و بیش از یک قرن است که گزارش‌های دشمن صهیونی-آمریکایی به مراکز درمانی کشور عزیزمان ایران و نقض صریح قوانین حقوقی بین‌المللی و زیرپا گذاشتن سازوکارهای اخلاقی-که آنها از گذشته نیز به این سازوکارها پایبند نبودند- دکتر تدریس آدهانوم، مدیرکل سازمان جهانی بهداشت در پیامی مکتوب در موضع گیری علیه این حملات نوشت: «حملات متعددی به بخش بهداشت در پایتخت ایران، تهران، در روزهای اخیر در میان درگیری‌های فزاینده در خاورمیانه گزارش شده است. انستیتو پاستور در ایران آسیب قابل توجهی دید و از ادامه ارائه خدمات بهداشتی ناتوان شد. این موسسه در سال ۱۹۲۰ تاسیس شد و بیش از یک قرن است که



در پیام رئیس سازمان بهداشت جهانی، استفاده از افعال مجهول بطور خاصی شایع است و طفره رفتن از معرفی جنایتکار جنگی، عدم عنوان رسمی این حملات بعنوان جنایت علیه بشریت و محکوم نکردن آن، موضع گیری علیه این جنایت‌ها را تماماً بی‌اثر و بی‌فایده نشان می‌دهد.

جنایات آمریکا و پرنرنگ تراز آن، جنایات رژیم صهیونیستی علیه سلامت عمومی بدون موضع گیری قاطع علیه جنایتکار پایان نمی‌یابد. بعنوان جامعه پزشکی باید در برابر جمله آخرین پیام عنوان داشت که «صلح، همواره بهترین دارو نیست» و گاهی لازم است غده‌ای سرطانی با جراحی برداشته شود تا بتوان عنوان کرد که سلامتی حاکم شده‌است!

در زمینه‌های متعدد تحقیقات پزشکی فعالیت می‌کند. این نهاد نقش مهمی در محافظت و ارتقای سلامت جمعیت، از جمله در مواقع اضطراری ایفا می‌کند. دو بخش از آن با سازمان بهداشت جهانی (WHO) به عنوان مراکز همکار فعالیت داشته‌اند. علاوه بر این، بیمارستان روانپزشکی دلارام سینا به دلیل یک حمله در ۲۹ مارس آسیب قابل توجهی دید و تاسیسات دارویی توفیق دارو که داروهای برای درمان سرطان و ام‌اس تولید می‌کرد، در حمله دیگری در ۳۱ مارس آسیب دید. هیچ تلفاتی از این حوادث

عرب و ایران مستقل مقتدر

ایران کشور قوی و پهناوری است، ایران دارای تمدن کهنی است؛ ثروت فرهنگی و تمدنی ما صدها برابر بیشتر از آمریکا و امثال آمریکا است. اینکه کسی توقع کند که ایران تسلیم کشور دیگری بشود، این یکی از آن مهمل گویی های غلطی است که یقیناً مایه ی استهزاء افراد خردمند و افراد دانا واقع خواهد شد.

عیدها
۱۳۹۸/۴/۵
رهبرانقلاب اسلامی
KHAMENEI.IR

نبض بهشتی، شماره سیزدهم، سال نهم
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
مدیر مسئول: علیرضا بیگ پوری | سردبیر: محمدحسین داودی پهنه کاغذی
فروردین ۱۴۰۵

